

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل سیزدهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل سیزدهم

جلسه پیگیری

اگر همه کارها بخوبی پیش برود، این آخرین جلسه خواهد بود. شما باید آرزوی رسیدن به این جلسه را داشته باشید و متقاضی را کمک کنید آن را نیز داشته باشد. اگر چنین برداشتی را داشته باشد، سعی خواهد کرد در شش هفته آزمایش تمام اهداف خود را بدست آورد. در این جلسه شما لازم است تمام جوانب کاری که انجام داده اید را بررسی کنید و ببینید، چیست که به جای مانده، چیست که عقب نشینی کرده، و یا رشد کرده. البته نهایتاً مطلوب است که عقب گردی را مشاهده نمی کنید. اما، در صورتی که مشاهده کردید، باید درجه اهمیت که دارد را در نظر گرفته و به آن رسیدگی کرد. از طرفی، اگر متقاضی شش هفته خوبی را داشته، بنظر می رسد پایان مشاوری سررسیده، و آنوقت تنها کار مانده، دعای خیر و سلامتی برای زندگی پر بار و میوه او خواهد بود. برگه "سلامتی" او صادر شده و لازم است زندگی را ادامه دهد.

حال ببینیم این "مشاهدات" شما چه جوانبی را می توانند داشته باشند. باید از مدارک داده شده شروع کرد. این مدارک آنچه در این شش هفته انجام شده را ثبت کرده اند (لاعقل این آرزویی است شما دارید). اما، لازم است از خود او بشنوید، و در صورتی که مدارک بدون استفاده مانده اند (متأسفانه تعدادی نیز چنین خواهند بود)، آنچه در نظر او است می تواند جای خالی آن را پر کند. از آنچه در فکر او است آغاز کنید، و به آن بپردازید. سپس، مسائلی که با آن برخورد کرده بود را یادداشت کنید و ببینید و آنها را در کدام یک (یا هر دو) این دو قسمت می توان قرار داد:

۱. اشکال از درک مطلب بوده، یا

۲. اشکال در انجام کار.

البته امکان نیز دارد متقاضی خود مسئله ای را درک کرده و کار مربوط به آن را نیز انجام رسانده. در این صورت، باید خدا را شکر کرده و از موفقیتی که کسب کرده تقدیر کنید. باید بیاد او آورید که خدا زندگی فرزندانش را در شباهت خود بنا می سازد، و انسان احتیاج به شناخت مسئله از دیدگاه کلام را دارد و راه حلش نیز بدون دخالت احساسات، باید به مرحله اجرا قرار بگیرد. خوشا بحال کسی که تجربه در این کار بدست آورده است.

اما اگر متقاضی کلاً شکست خورد و عقب نشینی کرده، یا مرتکب گناه بخصوصی شده، آنوقت لازم خواهید داشت جلساتی را بخاطر رسیدگی به آنها فراهم سازید. به یاد این افراد آورید که خدا مسائل و مشکلات ما را بد نمی شمارد، به شرط آنکه آنها را از دیدگاه کلام بر انداز کرده و حکمی که برای آنها منظور داشته را مورد اجرا قرار بدهیم.

شکست و پسروی پطرس را مثال قرار بدهید. عیسی مسیح به پطرس هشدار داده بود که مرا انکار نکن:

متی ۲۶

۳۴: عیسی به وی گفت: «آمین، به تو می گویم که همین امشب، پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار خواهی کرد!»

و انکار او موجب پس روی، ناامیدی، و بدبختی او شد. اما، از پای نیفتاد، بلکه توبه کرد و برگشت، و موجودیت خود را در خدا دوباره باز یافت (یوحنا ۲۱). اما فراتر از آن نیز بروید، و

صحبت از آنکه پطرس هیچ وقت این تجربه خود را فراموش نکرد بکنید، و در رساله دومش از خوانندگانش خواست آنها نیز این امورات را فراموش نکنند. زندگی امروزه شامل رویداد های فراوانی شده و امکان قاطی کردن و گیج شدن جای خود دارد. خدا نیز آن را می داند، و به این منظور است که دائماً ما را به یاد خود می آورد. اما اصلی نیز پای بر جا است؛ لازم نیست تلخه ها را بجشیم، و اگر پایبند بمانیم، میوه تلخ گناه را نیز نخواهیم چشید:

لوقا ۲۲

۶۱: آنگاه خداوند روی گرداند و به پطرس نگاه کرد، و پطرس سخن او را به یاد آورد که گفته بود: «امروز پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار خواهی کرد.»
۶۲: پس بیرون رفت و به تلخی بگریست.

بهتر آن است که به زمین نیفتیم، ولی اگر افتادیم، خدا را بر درون داریم تا دست ما را گرفته و بر پا خیزاند. دلیل وقوع چنین پیش آمد ها، آموزشی است که از آنها بدست می آوریم. و به این خاطر لازم است که همیشه بباد آن باشیم تا ابعاد تازه ای که در زندگی آینده ما دارد را فرا بگیریم. به این جهت پطرس می گوید:

دوم پطرس ۱

۱۲: پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید.
۱۳: آری، مصلحت چنین می دانم تا آنگاه که در این خیمه ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم،

توجه داشته باشید که می گوید، ”یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید.“ و سپس می گوید، ”شما را از طریق یادآوری برانگیزانم“.

دوم پطرس ۱

۱۵: از این رو هر چه در توان دارم خواهم کرد تا بتوانید پس از رحلت همواره این امور را به یاد آورید.

منظورش بباد آوردن آنچه در زندگی می گذرد در پرتو کلام خدا است. ما با کلام است که پیش می رویم و زندگی می کنیم. کلام حقایق را در زندگی ما روشن می سازد، و راهی فراهم می سازد که دچار سر شکستگی نشویم و طعم تلخ شکست را نچشیم. این آیات یک موضوع را روشن می گردانند؛ پطرس از اشتباهاتش آموخت، و نمی خواست دیگر برادران و خواهرانش چنین تجربیاتی را داشته باشند. از قوت کلامش چنین برداشت می کنیم که تجربه بسیار ناگواری بود و نمی خواست دیگران آن را نیز داشته باشند. البته برای کسانی که مرتکب اشتباه می شوند، راه همان توبه است، ولی موضوع بحث در اینجا پیشگیری است. تجربیات ناگوار هر چه باشند، قوه زیادی را مصرف می کنند و جان را نیز می توانند به لب برسانند. حیاتی که از خدا است، با سرعت و تحرک بسیار پیش می رود، و نیاز به روحیه شاد و پر از امید دارد. نتیجتاً، آنچه کوه و دره که در زندگی پشت سر گذاشتیم را باید نکته عطفی بشماریم و پس از دریافت پیامی که بما رساندند، با شادی و شکر گذاری و امید، زندگی را ادامه دهیم. خدا نمی خواهد اشتباهاتی که دیگران کرده اند

را ما نیز تکرار کنیم. باید از کلام آنچه مد نظر است را در یابیم، و با نشاط به راه ادامه دهیم. از پیروزی ها نیز صحبت کنید. از زحمات کشیده شده قدردانی کنید. زندگی پطرس تنها تلخ و گریان نبود، بلکه بقدری نشاط و حیات در آن بود که شامل رساله های او شد که در کلام می خوانیم. ما فرزندان خدا هر یک جای مخصوص خود را در عالم هستی خدا داریم، و او را این گونه جلال می رسانیم. باید دید این شش هفته آموزشی، چه پایانی را منظور داشته و نسبت به آن قدم بردارید. اگر متقاضی در این هفته با مسئله ای روبرو شده و بگونه ای از طریق کلام به آن رسیدگی کرده، باید آن را زیر سنجش قرار دهید و ابعادی که در زندگی او بجای گذاشته را تفحص کنید. می توان از برداشت ها (در صورتی که مثبت بوده اند) در ابعاد مختلف زندگی استفاده کرد. برکت همیشه برکات دیگر خدا را می طلبد. آجر های ساختمانی همیشه طالب آجر های بیشتری می باشند تا ساختمان کامل شده و انسان در خدا پر پا گردد. روحیه سالم با دانش کافی از کلام، همیشه برکات را همراه می دارد، به شرط آنکه هشدار های آن را نیز بخاطر بسپاریم. بطوری که گفته شد، جلسه پیگیری باید تمام جوانب زندگی را مورد نظر قرار بدهد. ممکن است لازم باشد جلسه را دو ساعت ادامه داد، یا تبدیل به دو یا سه جلسه نمود. در مرحله پیگیری نمی توان موضوعی را خلاصه کرد یا عجله به خرج داد. منظور این است که همه چیز مورد بررسی قرار بگیرد. معمولاً موضوع بحث زیاد است و وقت زیادی را لازم دارد تا پس از آنکه هر مورد بررسی شد، شکلی کلی از تمامی آن بدست متقاضی نیز برسد. باید همه چیز جای افتاده و آشکار باشد. تنها زمانی که متقاضی به جایی رسیده که خود برداشت های خود را به درستی به زبان آورده و جای آن را در زندگیش می بیند و از آن پند های لازم را می گیرد، می توانید بگوئید که ”کاری که با هم داشتیم تمام شده“.

حال به موردی باید پرداخت که در آن متقاضی هیچ کاری نکرده، و بهانه تراشی های او تمامی ندارد. منصرف شده (با وجود آنکه تشویق کرده اید)؛ ممکن است اعتراض و گستاخی نشان بدهد (با وجود آنکه توبیخ کلام را به او داده اید)؛ ممکن است فقط ناله و شیون بر پا می کند (اگر تا بحال به این مورد رسیدگی نکرده اید، حال دیگر دیر شده، و تنها می توانید از او بخواهید زمانی که از آن خلاص شده نزد شما بازگردد). منظور این است که حد حدود مسئولیت های خود را بشناسید. شما آنچه لازم بوده را انجام داده اید. شاید در آینده شما یا شخص دیگری توانائی کمک بیشتری به او را داشته باشد، اما اگر تا این اندازه وقت صرف او کرده اید و کار بجائی نرسیده است، بهتر است او را بدست توانای خدا بسپارید.

اما، در صورتی که لازم شد به عدم پیگیری متقاضی از جریان کار رسیدگی نمائید، بهتر آن است که موضوع شناسائی کنید. راجع به کار های لازم صحبت کردید و مسائلی که جلوگیری از آن می کنند را بررسی نیز کردید. حال که انجام نگرفته اند، مسئله انضباط و عدم عادت به انجام کار های جدیدی که پیش آمده مسئله ایجاد کرده اند. ممکن است موضوع یا پیشامدی، حواسشان را بخود جلب می کند و از یاد می برند دنباله کار را بگیرند. یا به دلیلی مایل به انجام کار نیستند، و بهانه می گیرند و به تعویق می اندازند. شما می دانید که روح القدس در چنین شرایطی نمی تواند کار کند. ممکن است لازم باشد آنچه در هفته آینده می گذرد را دوباره (برای آخرین بار) برایش پیش بینی کرده و از او بخواهید تکالیفی در این زمینه برای خود بنویسد تا زندگیش نظم و شکلی را بخود بگیرد. نیت به تنهایی کافی نیست، همانگونه که بهترین برنامه ها نیز بدون عمل پوچ و بی معنی بشمار خواهند آمد. روح القدس در طریق و افکار، هر دو باهم است که میوه می آورد. جسم از جلال افتاده می گوید لازم نیست، اما خدا می خواهد آن را انجام رسانیم. به همین خاطر است که برنامه می ریزیم و زمان اجرای آن را قبلاً تعیین می کنیم، و بموقع، با همت و کوشش اجرا می نمائیم. تنها به این شکل است که به راه می افتیم و در وقت خود، به آن عادت می کنیم.

پیگیری شش هفته، هر آنچه قبلاً جزئیات کار بوده را جمع کرده، و جوانب اصولی که دارند را نشان می دهد. حکمت خدا شامل جمیع جزئیاتی است که زندگی را شکل داده، و لازم است همیشه برآورد شود تا مسیری که نشان می دهند را آشکار نماید. خدا با تمام وجود فرزندان کار می کند، و این رویداد ها و برداشت ها همه قسمتی از کل زندگی می باشند. لازم است خصوصیات فرا گرفته از این برداشت ها، به جانب بقیه جوانب زندگی متقاضی نیز رخنه کند. این مسیری است که متقاضی در آینده در آن راه خواهد رفت. برکات، هر یک طالب برکات دیگری می گردند و ساختمان بر پایه های برکات دریافت شده استوار می گردد.

نتیجتاً جلسه پیگیری را شامل کلیات و حکمتی که دارد بکنید، و برای جمع آوری و بسته بندی جزئیات، آمادگی قبلی را بدست آورده باشید. لازم است آمادگی قبلی برای آغاز کار هر آنچه ممکن است پیش آید را داشته باشید. البته بطوری که صحبت از آنها شد، موارد تعداد زیادی ندارند، اما اقدامات لازم است که می توان در همان جلسه آنها را آغاز کرد. هر چه پیشرفت کار با سرعت انجام بگیرد، برای متقاضی و کار خدا بهتر است.

در آخر، برای کسانی که با موفقیت پای به این جلسه می گذارند، آماده جشن کوچکی را داشته باشید. رضایت خدا در این کار نیز هست.